پادرمیانی زن بازیگر برای نجات یک محکوم به قصاص

بخشش مردی که ۴ بار پای چوبه دار رفت

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

مردی که ۹سال قبل بر سر حمایت از فرزندش مرتکب قتل و به قصاص محکوم شده بود، وقتی برای چهارمین بار پای چوبه دار رفت با تلاش تیم صلح و سازش دادسرای جنایی و پادرمیانی بازیگر معروف در آخرین لحظات بخشیده شد. به گزارش همشهری با بخشش مرد محکوم به قصاص از سوی خانواده مقتول، خیران وارد ماجرا شدند تا با تهیه مبلغ دیه مقدمات آزادی او را پس از تحمل ۹سال زندان فراهم کنند.

شروع ماجرا

پرونده این مرد ۲۹شهریور ۹۳ به جریان افتاد. در آن زمان پیکر سوخته مردی حدودا ۳۷ساله در بیابان‌های منطقه قلعه گبری واقع در شهر ری پیدا شد. با حضور تیم جنایی در محل مشخص شد که مقتول در محل دیگری به قتل رسیده و عامل جنایت پس از انتقال جسد به بیابانی، آن را به آتش کشیده است. در ادامه بررسی، هویت مقتول شناسایی و مشخص شد که او ساکن شهر ری است. تحقیقات نشان می‌داد که مقتول آخرین بار با یکی از آشنایانش قرار ملاقات داشته است. مرد آشنا صاحب یک سوپرمارکت در شهر ری بود و آن طور که شاهدان می‌گفتند مقتول آخرین بار پا در مغازه وی گذاشته و از آن پس دیگر ناپدید شده بود. با این سرنخ، مرد آشنا دستگیر شد و در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد. وی که در آن زمان ۴۴ساله بود درباره انگیزه‌اش از این جنایت هولناک گفت: مقتول، دخترم را اذیت کرده و کتکش زده بود. وقتی از زبان او ماجرا را شنیدم به‌شدت عصبانی شدم و تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم.

تبرئه از قتل

این پرونده جنایی پس از تکمیل تحقیقات به صدور کیفرخواست منجر شد و متهم پیش روی قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری ایستاد تا از خودش دفاع کند. او گفت که مقتول را به تصور اینکه مهدورالدم بوده، کشته، اما با وجود این خیلی پشیمان است. قضات دادگاه در دور اول محاکمه، ادعای متهم را پذیرفتند و او از قصاص گریخت. وی در نخستین حکم قضات به پرداخت دیه و زندان محکوم شد که صدور این رأی، اعتراض اولیای دم را در پی داشت. در این شرایط پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد و قضات دیوان، حکم را نقض کردند تا متهم این بار در شعبه‌ای هم عرض محاکمه شود.

قصاص

در دور دوم محاکمه، وقتی متهم در جایگاه دفاع ایستاد، گفت: یک روز که از سرکار به خانه برگشتم دختر ۶ساله‌ام روی پایم نشست و شروع به گریه کرد. او می‌گفت مقتول با او شوخی بدی کرده و بعد یک سیلی در گوشش زده است. از شنیدن این حرف شوکه شدم و تصمیم گرفتم از مقتول انتقام بگیرم. وی ادامه داد: روز حادثه به او زنگ زدم و به بهانه اینکه تولد دخترم است، درخواست کردم تعدادی بادکنک بخرد و به مغازه‌ام بیاورد. وقتی مقتول رسید از او خواستم کمکم کند تا وسایل را به انباری ببریم. وقتی مقتول پشت سرم به انباری آمد، ناگهان به سمتش حمله کردم و با مشت و لگد چند ضربه به او زدم. سپس دست و پایش را با طناب بستم و او را در انباری زندانی کردم. مقتول علت این کار را پرسید و وقتی از او سؤال کردم که چرا دخترم را اذیت کرده به‌جای عذرخواهی حرف‌های نامربوطی زد و به من بی‌احترامی کرد. آنجا بود که تصمیم گرفتم وی را به قتل برسانم. داخل لیوان آب، چند قرص خواب‌آور حل کردم و به او خوراندم. وقتی بی‌حال شد با دستانم او را خفه کردم. سپس دور جنازه‌اش یک ملحفه پیچیدم و داخل ماشینم قرار دادم. بعد حرکت کردم به سمت بیابان‌های قلعه گبری شهر ری و در آنجا با ریختن بنزین جسد را به آتش کشیدم.

در پایان دومین جلسه محاکمه، قضات حکم بر قصاص قاتل دادند و هرچند با اعتراض وی پرونده بار دیگر به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما قضات حکم مرگ را تأیید کردند و قابل اجرا دانستند. به این ترتیب پرونده به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد و عامل جنایت در یک قدمی مرگ قرار گرفت.

بخشش

برای اجرای حکم مرد محکوم به قصاص همه چیز مهیا بود، اما قرار نبود بمیرد چون او نه‌تنها بار اول بلکه پس از ۳مرتبه رفتن پای چوبه دار موفق شد در آخرین لحظات از اولیای دم مهلت بگیرد و به زندان برگردد. با وجود این نامش در فهرست اعدامی‌ها قرار داشت و باید برای چهارمین بار پای چوبه دار می‌رفت و حکم قصاصش اجرا می‌شد. در این بین، تلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران برای جلب رضایت از اولیای دم و بخشش مرد اعدامی شروع شد. در این میان یک بازیگر سینما و تلویزیون نیز وارد پرونده شد تا برای گرفتن رضایت از اولیای دم تلاش کند. سرانجام روز اجرا رسید و مرد محکوم به قصاص برای چهارمین مرتبه پای چوبه دار رفت و در یک قدمی مرگ قرار گرفت. این لحظات دلهره‌آور هر بار برای مرد اعدامی سخت‌تر از قبل بود و تکرار آن عذاب‌آور. آن روز با روزهای قبلی تفاوت زیادی داشت چون نه‌تنها حکم قصاص اجرا نشد بلکه اتفاق شیرینی رخ داد؛ اولیای دم حاضر شدند به شرط دریافت دیه و به خاطر رفتارهای مناسب قاتل در زندان و دختر او که چشم‌انتظار نجات و آزادی پدرش بود، وی را ببخشند تا با این اتفاق خداپسندانه کابوس‌های مرد زندانی پایان یابد. به این ترتیب بخشی از دیه توسط خانواده مرد زندانی و بخش دیگر توسط خیرین و تلاش بازیگر زن تهیه شد تا به‌زودی مرد نجات یافته بعد از ۹سال از زندان آزاد شود.

ماجرای زنی که تصور می‌کرد ربوده شده است

زن جوان به تصور اینکه مرد مسافرکش قصد ربودنش را دارد، خودش را به بیرون از ماشین پرتاب کرد و مصدوم شد. به‌گزارش همشهری، اواخر سال گذشته خودرویی در یکی از خیابان‌های غرب تهران با سرعت در حال حرکت بود که ناگهان زنی جوان در ماشین را باز کرد و خودش را به بیرون پرت کرد. او که به‌شدت مصدوم شده بود به بیمارستان انتقال یافت و پس از مداوا، راهی اداره پلیس شد و گفت راننده خودرویی که وی از آن بیرون پریده بود، قصد ربودن او را داشته است. زن جوان توضیح داد: آن شب به‌عنوان مسافر سوار ماشینی شدم اما راننده تغییر مسیر داد و وقتی اعتراض کردم، گفت چون دیر وقت است می‌خواهد از مسیر میانبر برود. فهمیدم قصد ربودن مرا دارد و به همین دلیل خودم را به بیرون از ماشین انداختم. راننده هم به سرعت فرار کرد و مردم مرا به بیمارستان انتقال دادند. با این شکایت، مرد راننده شناسایی و دستگیر شد. او منکر آدم‌ربایی شد و گفت: زن جوان وقتی سوار ماشین من شد مضطرب بود. می‌گفت دیرش شده و گوشی موبایلش شارژ ندارد تا با خانواده‌اش تماس بگیرد. گوشی‌ام را دادم تا با خانواده‌اش تماس بگیرد و بعد تصمیم گرفتم از مسیر دیگری بروم تا او را زودتر به مقصدش برسانم چون مسیر اصلی ترافیک داشت. اما او گمان کرد که من قصد ربودنش را دارم و به همین دلیل خودش را به بیرون از ماشین پرتاب کرد. با انجام بررسی‌های همه جانبه مشخص شد که گفته‌های مرد راننده صحت دارد. او قصد آدم‌ربایی نداشت و زن جوان با تصور آدم‌ربایی نه‌تنها خودش و راننده را بلکه تیم جنایی را نیز به دردسر انداخت. وقتی مشخص شد راننده بی‌گناه است، آزاد و پرونده مختومه شد.

مرگ هولناک ۲سارق بدشانس

خارجی

۲سارق بدشانس وقتی برای سرقت وارد آپارتمانی در یکی از شهرهای سوئد شدند، به طرز هولناکی توسط صاحبخانه به قتل رسیدند. به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های سوئد، نیمه‌شب ۲۲سپتامبر سال گذشته ۲سارق که قصد دستبرد زدن به آپارتمانی در یک مجتمع مسکونی در شهر اولسهمن سوئد را داشتند، با بالا رفتن از دیوار، خودشان را به بالکن آپارتمان مورد نظر رساندند. آنها به آرامی در بالکن را باز کردند و وارد آپارتمان شدند اما درست در همان لحظه غوغایی به‌پا شد. صدای درگیری شدید در این آپارتمان، همدستان سارقان را که بیرون از آپارتمان کشیک می‌کشیدند به وحشت انداخته بود. لحظاتی بعد صدای درگیری قطع شد و سکوت همه‌جا را پر کرد. طولی نکشید که خودروهای پلیس آژیرکشان خودشان را به محل حادثه رساندند و به محض ورود به داخل آپارتمان با اجساد غرق خون ۲سارق روبه‌رو شدند. هر کدام از آنها هدف اصابت حدود ۲۵ضربه چاقو قرار گرفته و به طرز هولناکی کشته شده بودند.

ماجرا چه بود؟

مردی که در این آپارتمان زندگی می‌کرد، جوانی ۲۲ساله و ورزشکار به نام نوح است. مأموران پلیس او را با سر و صورتی خون‌آلود در محل جنایت دستگیر کردند و در بازجویی از او اسرار این حادثه فاش شد. نوح گفت: روی تخت دراز کشیده بودم که متوجه صدایی شدم. سایه ۲نفر را دیدم که از بالکن وارد آپارتمانم شدند. چاقویی برداشتم و با آنها درگیر شدم. من چاره‌ای نداشتم و آن شب برای دفاع از خودم و نامزدم که در خانه‌ام بود با چاقو به آنها ضربه زدم. جوان ۲۲ساله در آن زمان به اتهام قتل ۲نفر دستگیر شد و بررسی این پرونده ادامه یافت. مأموران پلیس در ادامه توانستند ۲همدست سارقان را که آن شب بیرون از آپارتمان کشیک می‌کشیدند، شناسایی و دستگیر کنند. با اعترافات متهمان دستگیر و شواهد به‌دست آمده، پرونده این حادثه به دادگاه فرستاده شد و هفته گذشته قضات دادگاه در جریان محاکمه جوان ۲۲ساله، اقدام او را دفاع مشروع تشخیص داده و وی را از اتهام قتل تبرئه کردند. به این ترتیب جوان ۲۲ساله آزاد شد و همدستان ۲سارق کشته شده به ۲،۵سال حبس محکوم و روانه زندان شدند.

توبه‌نامه، حکم اعدام ۵مرد را متوقف کرد

۹ محکوم به مرگ پای چوبه دار رفتند اما تنها حکم یکی از آنها اجرا شد

دادسرا

سحرگاه دوشنبه ۹مرد محکوم به مرگ در زندان رجایی شهر پای چوبه‌دار رفتند اما فقط حکم یکی از آنها اجرا شد و ۸ محکوم دیگر به زندان برگشتند. به گزارش همشهری، قاتلی که سحرگاه دوشنبه حکم قصاصش اجرا و پرونده زندگی‌اش بسته شد، مردی بود که بیست و چهارم تیر ۹۷زنی را به قتل رسانده بود. وی پس از دستگیری درباره جزئیات قتل گفت: چند باری به‌عنوان مسافر سوار خودروی مقتول شدم اما بعد وسوسه سرقت ماشین او به جانم افتاد. روز حادثه به بهانه اینکه قصد دارم به چیتگر بروم به زن میانسال زنگ زدم و از او خواستم مرا به آنجا برساند. وقتی به منطقه‌ای خلوت رسیدیم، وی را خفه کردم و ماشینش را دزدیدم اما بعد از مدتی پشیمان شدم و از ترس ماشین را رها کردم تا اینکه دستگیر شدم. مرد جنایتکار در دادگاه کیفری محاکمه و به قصاص محکوم شد. قضات دیوان هم مهر تأیید بر حکم زدند و با قطعی شدن رأی، عامل جنایت سحرگاه دوشنبه به دار مجازات آویخته شد. علاوه بر این مرد، نام ۲برادر که محکوم به قصاص بودند در فهرست اعدامی‌های روز دوشنبه قرار داشت اما بخت با آنها یار بود که اولیای دم در زندان حاضر نشدند و این یعنی آنها فرصت زندگی دوباره یافتند. این دو برادر چند سال قبل، مردی جوان را به‌دلیل اختلافاتی که با او داشتند، به قتل رساندند و پس از آنکه جسد را درون کمدی چوبی قرار دادند و به سمت بیابان‌های اطراف تهران رفتند. آنها جسد را در بیابان‌ها رها کردند اما خیلی زود دست‌شان رو شد و به دام افتادند. دو برادر به جرم مشارکت در قتل به قصاص محکوم شدند که تلاش‌ها برای جلب رضایت از اولیای دم ادامه دارد. سومین محکوم به قصاص سحرگاه دوشنبه موفق شد برای دومین بار از پای چوبه دار به زندان برگردد، فردی بود که در جریان تیراندازی مقابل قهوه‌خانه ۲نفر را به قتل رسانده بود. وی به جرم ۲فقره قتل به ۲بار قصاص و به جرم محاربه از سوی دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده بود. وی پای چوبه دار موفق شد از اولیای دم مهلت بگیرد و به زندان برگردد.

سرنوشت ۵ محکوم به اعدام

علاوه بر محکومان به قصاص، چند مرد که به اعدام محکوم شده بودند نیز پای چوبه دار رفتند. افرادی که اتهام‌شان تجاوز به عنف بود. اما سرنوشت آنها شبیه به هم بود چرا که مردان اعدامی قبل از اجرا توبه نامه نوشته بودند و به‌دلیل اینکه باید توبه نامه‌هایشان بررسی می‌شد، حکم اعدام آنها در سحرگاه دوشنبه اجرا نشد. یکی از آنها مردی جوان بود که پسری خردسال را به بهانه نشان دادن کبوتر به خانه‌اش کشانده و با تهدید، وی را تسلیم نیت شوم خود کرده بود. زندانی دیگر، مردی بود که زنی را به‌عنوان مسافر سوار ماشینش کرده و با تهدید به او تجاوز کرده بود. وی نیز به جرم تجاوز به عنف به اعدام محکوم و حکم مرگ او قطعی شده بود. اما در آخرین پرونده، ۳نفر با تهدید دختر بچه‌ای را ربوده و او را قربانی نقشه سیاه خود کرده بودند. این ۳مجرم با حکم دادگاه کیفری به اعدام محکوم شده بودند که آنها هم با نوشتن توبه نامه موفق شدند، فرصت بخرند و به زندان برگردند تا نامه‌های آنها مورد بررسی قرار بگیرد.

کوتاه از حادثه

طرح پلیس پایتخت برای مبارزه با خریداران اموال مسروقه آغاز شد

شناسایی ۲هزار واحد صنفی مالخری

رئیس پلیس تهران بزرگ همزمان با شروع طرح دستگیری خریداران اموال مسروقه، از شناسایی ۲هزار واحد مشکوک به خرید اموال مسروقه و به‌اصطلاح دسته دوم خبر داد.

به گزارش همشهری، سردار عباسعلی محمدیان روز دوشنبه در جمع خبرنگاران گفت: سؤالی که از سوی مردم مطرح است، اینکه سرنوشت اموال مسروقه چه می‌شود؟

وی در پاسخ به این سؤال توضیح داد: برخی از اموال در بازارهای متعدد به اسم استوک و کالای دست دوم فروخته می‌شود که به اطلاع مردم می‌رسانیم بخشی از این اموال سرقتی است. برخی از اموال سرقتی نیز به خارج از کشور منتقل می‌شود که پلیس باید توان برهم‌زدن و قطع چرخه سرقت را داشته باشد.

وی ادامه داد: بیش از ۲هزار واحد صنفی شناسایی شده‌اند که این واحدهای صنفی از آن دسته‌ای هستند که باید مورد بازرسی قرار گرفته و کنترل روی آنها صورت گیرد. یکی از ارکان مهم چرخه سرقت، خریداران اموال مسروقه هستند که به عمد و یا از روی ناآگاهی اقدام به خرید اموال سرقتی می‌کنند. برای کنترل این موضوع باید واحدهای صنفی که نوع فعالیت‌هایشان خریدو فروش اموال دست دوم است در سامانه‌ای این موضوع را به اطلاع پلیس برسانند.

وی افزود: پیش از این، از این واحدهای صنفی تعهد گرفته شده بود که چنین اموالی را خرید و فروش نکنند و همه اموال دست‌دوم را در دفاتر مخصوص ثبت و تلفن فروشنده را درج کنند و اگر چنین روندی طی نشود به‌طور قطع اموال کشف شده سرقتی تلقی و مورد پیگرد قرار خواهد گرفت.

مرگ دردناک پسر ۱۴ساله در حمله سگ نگهبان

فرار پسربچه ۱۴ساله از دست سگ نگهبان یک کارگاه چوب‌بری در شهریار حادثه هولناکی را رقم زد.

به گزارش همشهری، چند روز پیش دانش‌آموز ۱۴ساله‌ای در حال عبور از بلوار امیرکبیر شهرستان شهریار بود که هدف حمله سگ نگهبان یک کارگاه چوب‌بری قرار گرفت. او که وحشت کرده بود برای فرار از دست سگ شروع به دویدن کرد و به سمت خیابان رفت، اما در همین هنگام یک تاکسی که در حال عبور از خیابان بود به‌شدت با او برخورد کرد. پسربچه ۱۴ساله به سرعت به بیمارستان منتقل شد اما به‌دلیل شدت جراحات وارده جانش را از دست داد. به‌دنبال این حادثه، سرهنگ پیمان فتاحی، فرمانده انتظامی شهرستان شهریار گفت: پس از این حادثه، پلیس با حضور در صحنه و انجام تحقیقات راننده خودرو را بازداشت کرد و پرونده تشکیل شد. وی ادامه داد: با انجام تحقیقات محلی و مشخص‌شدن صاحب سگ نگهبان، این فرد نیز بازداشت و پرونده به دادسرا ارجاع داده شد که در نهایت راننده خودرو و صاحب سگ نگهبان با قرار وثیقه و با دستور مقام قضایی آزاد شدند. سرهنگ فتاحی تصریح کرد: متأسفانه پس از حمله سگ نگهبان به نوجوان جان‌باخته، سگ توسط صاحبش مفقود شده و بررسی‌ها برای پیداکردن آن به نتیجه نرسید.

فرمانده انتظامی شهرستان شهریار خاطرنشان کرد: پلیس پرونده حادثه مذکور را پس از بررسی جوانب مختلف به دستگاه قضایی ارجاع داده است که مقام قضایی نتیجه نهایی را به ولی‌دم جان‌باخته اعلام خواهد کرد.

اما حمله سگ نگهبان فقط باعث مرگ نوجوان بی‌گناه نشد؛ بلکه طبق فیلمی که از این حادثه منتشر شده، یک مأمور پلیس راهور نیز در حادثه آسیب دیده‌است.

سرهنگ همایی، رئیس اداره آموزش و فرهنگ ترافیک راهور غرب استان تهران گفت: در جریان حمله مرگبار سگ به دانش‌آموز ۱۴ساله، مأمور راهور حاضر در محل برای نجات پسر نوجوان اقدام می‌کند اما این مأمور نیز در اثر تصادف با یک خودروی دیگر مجروح و برای مداوا راهی بیمارستان می‌شود که به‌صورت سرپایی درمان و به منزل منتقل شده است.

پزشکی قانونی راز قتل را فاش کرد

نتیجه پزشکی قانونی درباره علت مرگ مردی که تصور می‌شد قربانی مصرف متادون شده، اسرار قتل او را فاش کرد.

به گزارش همشهری، یکی از روزهای اسفند پارسال به قاضی وحید ناصری، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که مردی جوان در یکی از پارک‌های جنوب تهران جان باخته است. متوفی معتاد به موادمخدر و مقدار زیادی متادون مصرف کرده بود. هرچند درابتدا به‌نظر می‌رسید به‌دلیل مصرف متادون فوت شده اما بازپرس جنایی دستور داد تا جسد وی برای کالبدشکافی و تعیین علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شود. با گذشت ۲ماه از حادثه، پزشکی قانونی نتیجه را اعلام کرد. براساس این نظریه مرگ مرد جوان مصرف متادون نبوده بلکه بر اثر ضربه به سرش فوت شده و این یعنی به قتل رسیده است. به این ترتیب تحقیقات در این پرونده وارد مرحله‌ای تازه شد و ماموران مظنون اصلی جنایت را دستگیر کردند. او در بازجویی‌ها قتل را انکار کرد و گفت: متوفی برای خواهرزاده‌ام کار می‌کرد. وظیفه‌اش این بود که برای او ضایعات جمع کند اما آنطور که از خواهرزاده‌ام شنیدم بر سر جمع‌آوری ضایعات و پول آن دچار اختلاف شده بودند. خواهرزاده‌ام از من خواست تا با پادرمیانی و میانجیگری به دعوا و اختلاف آنها پایان بدهم. وی ادامه داد: روز حادثه، مرد معتاد را در پارک دیدم اما با هم درگیر شدیم و من یک سیلی به او زدم. بعد رفتم و دیگر نمی‌دانم چه بلایی بر سر او آمده است. با توجه به ادعای این مرد تحقیقات از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد تا اسرار جنایت فاش شود.

با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

خرید دوچرخه از یارانه دولتی برخوردار شود

از آنجایی که دوچرخه‌سواری هم مزید سلامتی و هم کاهنده آلودگی هواست، جا دارد دولت به خریداران دوچرخه یارانه بدهد و اجازه ندهد دوچرخه کالایی لوکس شود. این روزها برای خرید یک دوچرخه حداقل باید حدود ۵ تا ۶میلیون تومان هزینه کرد. می‌توان گفت یک کارگر باید حقوق یک‌ماه خود را برای خرید یک دوچرخه ساده بپردازد. قیمت دوچرخه حتی در مدل‌های معروف به ۶۰میلیون تومان نیز می‌رسد و این یعنی دوچرخه‌سواری هم در ردیف تفریحات و ورزش‌های لاکچری قرار گرفته است.

رضایت از تهران

کاشت و تولید گل در کشور نیازمند بازنگری است

با وضعیت کنونی کشور که کم‌آبی موضوعی جدی شده است، کاشت و تولید گل نیازمند بازنگری است و جا دارد به‌خاطر کمبود آب کاشت، تولید و فروش گل غیرقانونی شود و به اندازه نیاز داخلی گل در میزان محدود تولید شود.

خانقاهی از رشت

کارفرما حق بیمه پرداخته، اما کارگر بیمه نشده است

تأمین اجتماعی برای بیمه کارگران ساختمانی حق بیمه از کارفرما دریافت کرده، اما کارگر بیمه نیست. درحالی‌که بیمه کارگران ساختمانی آورده زیادی برای سازمان تامین اجتماعی دارد. جدا از بیکاری طولانی‌مدت کارگران ساختمانی مانند من که به‌دلیل رکود و گرانی رقم خورده، مهم‌ترین مسئله کنونی کارگران ساختمانی بیمه است، از اسفندماه حق بیمه از کارفرمای من دریافت می‌شود، اما وضعیت بیمه من و سایر کارگران تغییری نکرده است.

جلالی از تهران

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

مسیر تهران - کرج و بالعکس به خط ویژه اتوبوس نیاز دارد

یکی از بهترین راهکارها برای کم کردن بار ترافیکی مسیر تهران -کرج ایجاد یک خط ویژه برای اتوبوس است. هر روز تعداد زیادی از افرادی که به واسطه شغل‌شان از کرج و شهرک‌های اطراف آن به تهران تردد می‌کنند، مجبور به استفاده از تاکسی یا خودروی شخصی هستند که این موضوع ترافیک وحشتناکی را در این مسیر ایجاد می‌کند. درحالی‌که با درنظر گرفتن و ایجاد یک لاین ویژه برای اتوبوس، هم از بار ترافیکی این مسیر به‌شدت کاسته می‌شود و هم آلودگی هوا خصوصا در فصل پاییز به حداقل می‌رسد و هم به لحاظ اقتصادی به نفع مردم خواهد بود.

خدابنده‌لو از کرج

آیا شبکه‌های مختلف تلویزیونی با کمبود مجری مواجه هستند؟

مدتی است که در برنامه‌های مختلف سیمای جمهوری اسلامی به‌خصوص مسابقات به جای مجریان دوره‌دیده از بازیگران سینما و تلویزیون استفاده می‌شود. مسلط نبودن و عدم‌آشنایی آنها با فن و هنر مجری‌گری باعث جذب نشدن تماشاگر تلویزیون می‌شود. لطفا از مجریان کاربلد و شناخته‌شده در برنامه‌ها استفاده شود.

اعتمادی از تهران

پول امکانات حذف‌شده خودروها را به مشتری بازگردانند

چندی قبل یک دستگاه ساینادوگانه از شرکت خودروساز تحویل گرفتم که به‌رغم مشخصات اعلام شده در صفحه مجازی شرکت و بروشورهای چاپی ارائه‌شده و نیز سخنان مدیرعامل خودرو، خودروی دریافتی من فاقد سیستم جی‌پی‌اس، کامپیوتر سفر، اتولایت و کیلومتر جدید و شیر برقی است. همچنین سیستم برقی و سوئیچ آن نیز قدیمی است. سؤال اینجاست چرا وقتی این اقلام برخلاف تعهد شرکت به مشتری تحویل نشده، پول آن به مشتری برگشت داده نمی‌شود؟

آرام از تهران

پیام

تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

سگ‌های ولگرد، سکونت در فاز ۸ پردیس را مختل کرده‌اند

وجود تعداد زیادی سگ ولگرد در فاز ۸ پردیس تهران به یک معضل و مشکل بزرگ برای ساکنان منطقه تبدیل شده و بسیاری از ساکنان خصوصا هنگام تردد صبحگاهی مورد حمله سگ‌ها قرار گرفته‌اند. با توجه به ناکافی بودن تمهیدات اندیشه شده در این خصوص و با توجه به افزوده شدن مدام تعداد سگ‌ها و خطرات و آلودگی ناشی از آن، برخی ساکنان مجبور شدند خانواده خود را به جای دیگری منتقل کرده و اجاره خانه بپردازند. استدعا دارم به نمایندگی از مردم ساکن در فاز ۸۹ پردیس مسئولانی که تدبیر ساخت این مجتمع را دارند به نحو مقتضی موضوع سگ‌ها را نیز حل کنند.

منصوری از فاز ۸ پردیس

پول بیمه وام را کامل گرفتند و وامی پرداخت نشد

در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ درخواست وام کارآفرینی به مؤسسه قرض‌الحسنه مهر دادیم. پس از ۱۰ماه دوندگی و ارائه مدارک موردنیاز به بانک در اسفندماه اعلام کردند وام به مبلغ ۲۰۰میلیون تومان آماده است. با ۲ضامن چک‌دار به علاوه یک ضامن دارای گواهی کسر از حقوق مراجعه کردیم و پس از دریافت مدارک ۳۰۰هزار تومان نقدا جهت بیمه وام پرداختیم! و اعلام کردند وام تا یک هفته دیگر واریز می‌شود. بعد از گذشت ۲ماه پیامک ارسال شد که با وام شما موافقت نشده است، مجدد جهت وام ۱۵۰میلیونی ثبت‌نام کنید. آیا کسی عقلش قد می‌دهد که این رفتارها به چه دلیل است و تکلیف ارقامی که من تاکنون برای ثبت‌نام و ضامن و... پرداخته‌ام چه شده است؟

خدایی از زنجان